

بررسی تحولات آموزشی و فرهنگی مازندران در دوره پهلوی اول

1 امیر علی رحیمی

2 دکتر فیض‌اله بوشاسب‌گوشه

3 دکتر سیدعلیرضا ابطحی

تاریخ دریافت: 94/07/01

تاریخ پذیرش: 94/11/30

چکیده

از جمله اقداماتی که در راستای سیاست مدرن‌سازی در دوره پهلوی اول صورت گرفت، اقدام به تأسیس مدارس به شکل و شمایل مدرن و امروزی بوده است. دغدغه‌های شخص رضاشاه در سامان‌بخشی به وضعیت آموزش و فاصله گرفتن از آموزش سنتی که بیشتر توسط روحانیون در مکتب‌خانه‌ها که بیشتر بر علوم دینی نیز تأکید می‌شده است و همچنین هرچه بیشتر شبیه شدن به سبک اروپاییان از جمله عوامل اصلی این تحولات آموزشی و فرهنگی بوده است. رضاشاه علاوه بر تأسیس مدارس بسیار در مازندران، با تأسیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، منشاء تغییر و تحولات زیادی، خصوصاً در زمینه اسامی شهرهای استان گردید. به نوعی می‌توان گفت، منطقه مازندران که زاد بوم شخص شاه بوده و به نوعی بعد از تهران در جایگاه دوم اصلاحات رضا شاهی قرار داشت، تحولات آموزشی و فرهنگی نسبتاً زیادی را در این دوره تجربه کرده است و اقدامات فرهنگی صورت گرفته در این استان هم‌چون تغییرات در نظام آموزشی و تأسیس مدارس جدید نیز قابل توجه بود و اگر بودجه کافی برای توسعه و حفظ کادر آموزشی اختصاص می‌یافت امکان بهره‌مندی بیشتر شهرهای این استان از آموزش جدید علاوه بر ساری، آمل، بابل و شاهی، فراهم می‌شد. این مقاله برای نمایش وضعیت آموزشی و تحولات فرهنگی مازندران در دوره پهلوی اول از منابع دست اول هم چون اسناد منتشر نشده، نشریات و یادداشت‌های رضاشاه استفاده نموده است.

کلید واژه: آموزش، فرهنگ، مازندران، رضاشاه، وزارت معارف و اوقاف، مدرسه.

¹ گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

² گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) www.f.boushasb@yahoo.com

³ گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مقدمه

تربیت و آموزش در ایران همواره نقش ارزشمندی داشت و ادارهٔ دستگاه‌های دیوانی به آموزش افراد نیازمند بود. اولین و ابتدایی‌ترین محل برای آموزش دانش به طور عام خانه بوده است و پدر و مادر عهده‌دار آموزش و پرورش بوده‌اند.

دوره پهلوی اول که مورد نظر ماست، تغییرات چشمگیری در وضعیت آموزش کشور صورت گرفت که بیشتر این تغییرات در نیمه شمالی کشور دیده می‌شود. تحول آموزشی واحداث مدارس جدید شامل نخستین برنامه‌های دولت برای نوسازی کشور بود. در خاطرات شخصی رضاشاه به کرات لزوم تحول نحوه آموزش و مدرنیزه کردن آن در کشور خصوصاً در این خطه (مازندران) اشاره شده است. این دغدغه‌ها به زودی عملی شد و مدارس متعددی به شکل مدرن در مازندران مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این مقاله سعی در بررسی تحولات آموزش و فرهنگ مازندران در دوره پهلوی اول را دارد و روش تحقیق به کار رفته در آن، روش پژوهش تاریخی است. در این روش پس از گردآوری اطلاعات و داده‌های تاریخی، مطالب به روش توصیفی - تحلیلی تدوین و تبیین شده است. با توجه به موضوع مقاله مطالب در دو بخش بررسی می‌گردد:

الف) اصلاحات و نوسازی نظام آموزشی

تعلیم و تربیت در دوره‌ی قاجار به خصوص از زمان فتحعلی شاه به بعد، در اثر تجاوزهای روسیه به خاک ایران و شکست‌های وارده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید. در دوران قاجار آموزش به صورت مکتب خانه‌هایی بود که به سه گروه تقسیم می‌شد: 1. مکتب آخوند باجی‌ها که به خانم معلمی می‌گفتند که دانش مختصری داشت و پیش از علم و دانش تجربه‌ی زندگی داشت و دختران و پسران چهار تا هفت ساله را آموزش می‌داد. 2. مکتب خانه‌های عمومی که در بیشتر شهرها و روستا دایر بود. بیشتر شاگردان این مکتب‌ها را فرزندان قشرهای متوسط جامعه تشکیل می‌دادند. 3. مکتب خانه‌های خصوصی که از آن کودکان اعیان و اشراف و علمای درجه اول بود، زیرا کودکان علما و روحانیون درجه اول، اعیان و اشراف به مکتب نمی‌رفتند و معلم سرخانه داشتند.¹ انقلاب مشروطیت که بر ضد دستگاه خودکامه‌ی قاجار و برافکنی سلطه بیگانگان به راه افتاده بود، با تدوین و توشیح قانون اساسی در 14 ذی القعدة سال 1324 ه.ق توسط مظفرالدین شاه قاجار شکل رسمی گرفت. سازمان نوینی در کشور پدید آمد و ایران مشروطه شد. مطابق نظم

نوین، بنیاد ملی به نام مجلس (خانه‌ی ملت) برپا شد و امتیازات نامحدود و آزادی شاه را محدود کرد، به این معنی که بخش بزرگی از آن اختیارات تحت عنوان وظایف مجلس و حدود حقوق آن به مجلس واگذار شد. به موجب اصول متمم قانون اساسی، حقوق و آزادی‌هایی به نفع افراد و اتباع کشور تحت عنوان حقوق ملت ایران منظور گردید که از اصل 8 تا 25 راجع است به: تساوی در برابر قانون، مالکیت خصوصی، آزادی‌های فردی، آزادی کسب و تجارت، آزادی معاملات، آزادی تعلیم و تربیت، آزادی اجتماعات، آزادی عقیده و آزادی مطبوعات.²

در 27 شوال 1328 ق/ 8 آبان 1289 ش، مجلس شورای ملی، قانون ادارهٔ معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را تصویب کرد و رسیدگی به امور تمام مدارس و تعلیمات مملکت به این وزارتخانه سپرده شد. هم‌چنین طبق قانونی که دهم ذی‌القعدة 1329 هـ.ق به تصویب رسید، تعلیمات ابتدایی برای تمام ایرانیان اجباری شد و مردم مکلف شدند فرزند خود را از هفت سالگی به تحصیل بگمارند.³ تصویب این قانون کمک فراوانی به گسترش علم و سواد به صورت مدرن آن کرد. پس از به قدرت رسیدن رضاشاه آموزش و پرورش مورد توجه ویژه حکومت پهلوی اول قرار گرفت.

تحول در مدارس

تا پیش از سال 1300 ش، دبستان‌های معدودی در مازندران ایجاد شده بود و این دبستان‌ها عبارت بودند از دبستان نصرت در آمل، عصر در مشهد سر، شاهپور، و بدر در بابل. پس از تأسیس حکومت پهلوی اول، اگرچه در سال 1305 ش، شورای معارف در مراکز مهم استان‌های کشور از جمله ساری تشکیل شد،⁴ اما برنامهٔ وسیع‌تر برای سازماندهی و توسعه مدارس در ایران و استان مازندران، با همکاری دولت و مجلس در زمینهٔ گسترش و نظام‌مند ساختن آموزش ابتدایی به اجرا درآمد. در تاریخ 14 خرداد 1306 (1927 م/ 1345 ق)، مجلس شورای ملی، قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن دولت اجازه می‌یافت مبلغی را علاوه بر بودجه پیش‌بینی شده وزارت معارف، برای تشکیل مدارس ابتدایی به تناسب مالیات شهرها و دهات، قصبات و ایالات در آن نقاط به مصرف برساند.⁵ اگرچه گزارش‌ها و مطبوعات، این افزایش بودجهٔ معارفی را در طی این سال‌ها تأیید و منعکس کردند،⁶ اما چنان که در ادامه خواهد آمد، این بودجه برای تأسیس مدارس و پرداخت حقوق کارکنان آن کافی نبود. با این حال این نخستین برنامه رسمی دولت برای گسترش آموزش ابتدایی بود و پس از آن تأسیس مدارس ابتدایی در سراسر کشور آغاز گردید و بر

تعداد دانش‌آموزان افزوده شد. با افزایش قدرت رضاشاه در سال 1306ش و تصویب قانون آموزشی جدید، دبستان‌های متعددی مانند شاهدخت و فرهنگ در آمل، رودکی در کردی چال، فردوسی در عباس‌آباد، هدایت در ساری، نظامی در بندپی، داریوش و طبری در سولده نور و نیز در شیرگاه، کیاکلا، دینان فیروزکوه، جویبار، رستم‌کلا، شاهی و دودانگه ایجاد شدند.⁷ در سال 1307ش، دو دبستان دخترانه با نام ادب و دختران در ساری تأسیس شد.⁸ از جمله اقدامات فرهنگی قابل توجه ایجاد قرائت‌خانه‌ها بود. طبق گزارش مطبوعات، در شهسوار، قرائت‌خانه‌ی اتحاد تأسیس شد.⁹ همچنین در جهت گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی، کتابخانه‌هایی در برخی شهرهای این استان مانند ساری و بابل تأسیس شد.¹⁰ در سال 1308ش یک دبستان پسرانه با نام دانش در آمل و در سال 1309 دبستان سروری، در سال 1313 دو دبستان با نام‌های تربیت و ادب در آمل تأسیس شد.¹¹ از سال 1309، ادارهٔ معارف استان در بخش مازندران به مرکزیت ساری، امور مدارس ساری، بارفروش، مشهدسر، آمل، اشرف، شاهی، فیروزکوه و در بخش تنکابن به مرکزیت خرم‌آباد، امور مدارس تنکابن، کلاردشت، چالوس، نور، کجور، نوشهر، رامسر را بر عهده داشت. از این تاریخ، مکان بسیاری از مدارس مازندران به مکان‌های مناسب تری انتقال پیدا کرد.¹²

همچنین در جهت اصلاحات آموزشی، افراد شایسته‌تری برای تدریس کودکان به استخدام ادارهٔ معارف مازندران درآمدند. تا پیش از سال 1309، دفتر حضور و غیاب، بیانگر این است که بسیاری از معلمان، از رفتن به مدارس که می‌بایستی در آن‌جا به تدریس بپردازند خودداری کرده بودند، اما از سال 1309، نظارت بیشتری بر رفتار معلمان صورت گرفت.¹³ حوزه‌های معارفی مازندران در طول دوره فعالیت خود مورد بازدید مقامات بلند پایه معارفی کشور قرار داشته که به مناسبت‌های مختلف چون افتتاح راه، کارخانه‌ها، مسافرت به دشت گرگان، به مازندران آمده و از مدارس استان دیدن می‌کردند و از نواقص کارها پرسوجو کرده و درصد حل نواقص برمی‌آمدند،¹⁴ در این بازرسی از حوزه‌های معارفی مازندران، برخی از مدیران و معلمان که به توسعه و ترقی آموزش مدارس خود می‌پرداختند، تشویق می‌شدند و مدال‌های علمی از سوی حکومت اهدا می‌شد.¹⁵ در سال 1311، وزیر معارف پس از عزیمت از گرگان، از مؤسسات معارفی بابل و ساری دیدن کرد و میرزا عبدالحسین از معلمان مدرسه «شاهپور» به خاطر بذل توجه به انجام وظایف خود به دریافت مدال علمی مفتخر شد.¹⁶

جریان تأسیس مدارس در مازندران که بعد از این تاریخ (1309) دنبال شده بود، بار دیگر در سال 1313 به اوج خود رسید.¹⁷ در این سال دو دبستان با نام‌های تربیت و ادب در ساری تأسیس گردید. در این شهر و در اشرف یک دبستان دخترانه با نام ایران‌دخت در شاهی یک دبستان با نام دوشیزگان، تأسیس شد. شایان ذکر است پس از اجرای کشف حجاب در دی ماه 1314ش، دبستان‌های مختلط نیز در مازندران ایجاد شدند. تا پیش از کشف حجاب، تنه‌ادبستان مختلط در مازندران، دبستان ابتدایی شهسوار¹⁸ بود اما پس از کشف حجاب، مدارس مختلط در بابل، ساری، آمل، شاهی و نکا نیز تأسیس شدند.¹⁹ همچنین پس از کشف حجاب، دو دبستان دخترانه دیگر در مازندران به ترتیب در شاهی و مشهدسر با نام‌های مشترک دختران تأسیس شد.²⁰ در این دوره مدارس ابتدایی در کنار مدارس متوسطه، مکانی برای تبلیغات حکومت به شمار می‌رفت. از مهم‌ترین این اقدامات، برگزاری جشن‌های یادبود 17 دی ماه 1314ش، یعنی برگزاری جشن‌های کشف حجاب بود. در دبستان دوشیزگان در شهر شاهی، جشنی با حضور روسای ادارات دولتی و بنگاه‌های ملی و تجار برگزار شد. در بابل نیز در دبستان شاهدخت به مناسبت این جشن، مراسمی برگزار شد.²¹ در همین سال، دبستان‌های دیگری در شاهی، بابل‌کنار، گلوگاه، کجور، آلاشت، رکابدارکلا، ساری، کیاکلا، فیروزکوه، جویبار، شیرگاه، سرخورد، بابل و رینه تأسیس شد.²² چنانچه تا سال 1314، 8 دبستان دخترانه و 38 دبستان پسرانه اعم از دولتی و غیر دولتی در مازندران فعالیت داشت.²³ با این وجود، تقاضا برای تأسیس مدارس از سوی اهالی در ساری، بابل، آمل، بهشهر و سایر شهرهای بزرگ‌تر تا سال 1318ش ادامه پیدا کرد.²⁴

براساس اسناد، تا سال 1315ش، در شهر بابل سه دبستان ملی وجود داشت.²⁵ ظاهراً تا همین سال، در آمل تنها یک باب مدرسه دولتی وجود داشته که در طول سال، 4 ماه آن به خاطر عدم حضور مدیر و معلم و پرداختن حقوق معطل بوده است و رییس معارف آمل، آقازاده‌ی مورد نظر خود را نزد تجار و علما فرستاد تا صلاحیت او را تأیید نمایند تا او را به عنوان مدیر مدرسه انتخاب کنند.²⁶ علی‌رغم تلاش در ایجاد مدارس نو در مکان‌های جدید، به دلیل مشکلات مالی و نیاز به صرفه جویی در هزینه‌ها، مدارس متروک و قدیمی نیز بازسازی می‌شدند و دوباره مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در سال 1315، در بابل مدرسه‌ای قدیمی با نام روحیه بود که بنا به دستور اداره معارف استان، برای استفاده مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفت.²⁷ بر مبنای یک گزارش، عمارت‌های ملکی حاج میرزا محمدعلی معتضدی را تخریب کردند تا مدرسه‌ی آستانه بابل را در آن جا

بسازند.²⁸ هم‌چنین مطابق گزارش‌ها، رییس اداره معارف مازندران برای ساخت مدرسه متوسطه پهلوی در مازندران اقداماتی نمود و از محل اعتباراتی که پیشنهاد نمود، در ساختمان مدرسه قدیم موسوم به مادر شاهزاده اقدام به ایجاد مدرسه متوسطه پهلوی کرد. برای اتمام کار ساختمان که نیاز به اعتبارات بیشتری بود، رییس اداره معارف جدید، از وجوه طبقات و اولیای اطفال دعوت به همکاری نمود و آقای دکتر سنگ نماینده مازندران نیز در این باب کمک‌های مالی نمود و در مجلسی که برای دعوت به همکاری اولیای دانش‌آموزان و وجوه طبقات مردم تشکیل شد، حاضرین متعهد شدند مبلغ 400 تومان برای تکمیل ساختمان مدرسه متوسطه پهلوی پرداخت نمایند. طبق گزارش‌ها، ساخت این مدرسه، پایان یافت و مدرسه متوسطه پهلوی به آن‌جا انتقال یافت. کمیسیون هم که از طرف اهالی برای رسیدگی به مخارج ساختمان آن تشکیل شد، رسیدگی خود را خاتمه داد.²⁹

در کنار دبستان‌هایی که توسط حکومت در مازندران تشکیل شد، برخی از افراد به هزینه شخصی خود امکانات آموزشی را برای اطفال فراهم کرده و تلاش می‌کردند که آنان آموزش ببینند؛ اگرچه برخی پس از مدتی توانایی تقبل هزینه‌های مدرسه را نداشته و از اداره معارف استان مازندران که در شهر ساری واقع بود و در کنار شورای معارف مراکز استان‌هایی دیگر در سال 1305 تأسیس شده بود درخواست کردند که مدارس آنان جزو مدارس دولتی قرار گیرد.³⁰ میرزا فضل‌الله اورنگی، که در ناحیه میانرود، به هزینه شخصی خود، یک دبستان تأسیس کرده بود که در بودجه‌ی سال 1309 جزو مدارس دولتی قرار گرفت. او درخواست کرد در کنار دبستانی که او تأسیس کرده، دبستان دو کلاسه دیگری نیز در میانرود نور تأسیس شود.³¹ در لاریجان حاج سید حسین لاریجانی به خاطر بی‌بضاعتی مردم در روستای دینان لاریجان یک مکتب‌خانه تأسیس کرده بود و برای هر شاگرد لباس و کاغذ و قلم خریداری کرده بود و آنان را تشویق به سوادآموزی می‌کرد.³²

لازم به ذکر است که بر پایه‌ی برخی گزارش‌ها، روس‌ها تمایل داشتند در بارفروش مدرسه بسازند.³³ در طول این دوره برخی از مساجد برای تبدیل شدن به مدارس جدید مورد استفاده قرار گرفت، زیرا در اوایل دوران رضاشاه، اوقاف و امور آن به وزارت معارف اوقاف و صنایع مستظرفه واگذار شد؛ به همین جهت نام وزارتخانه به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر یافت. از جمله مساجدی که در این دوران به مدارس جدید تبدیل شده بود، مسجد یا مدرسه حصیر فروشان بود که در دوران وزارت تدین به مدرسه ابتدایی تبدیل شده بود و مسجد بعدی

مسجد قهاریه بود که ابتدا به نام مدرسه شرافت و بعدها به نام وزیر معارف وقت، مدرسه بدر تغییر نام داد.³⁴ همچنین از محل اعتبارات اوقاف در شهر بابل، یک دبستان 6 کلاسه در آستانه بابل ساخته شد.³⁵ همچنین 55320 ریال به هر یک از بنگاه‌های فرهنگی مازندران از محل وجوه و عطا و خطابه برای تأسیس دانشسرا مقدماتی مورد تصویب وزارت متبوع قرار گرفت.³⁶

در سال 1314 ش و همزمان با افتتاح دانشگاه تهران، در مازندران نیز نوسازی‌های آموزشی برجسته بود. دبستان جویبار با مساحت 1000 مترمربع و 248 متر که مبلغ 49500 ریال هزینه آن شد و تاریخ شروع بنا آن 4 تیر 1314 بود. طبق گزارش‌های این دوره فعلاً زیر پوشش آن تمام و تقریباً ساختمان آن نیز خاتمه خواهد یافت.³⁷ دبستان اشرف با مساحت 3577 مترمربع و 530 مترمربع در زیربنا و صرف هزینه مبلغ 71500 ریال (تا زمان گزارش) که تا تاریخ 25 بهمن، مبلغ 626036 ریال آن مصرف شده و بقیه در دست اقدام بود.

تاریخ شروع به ساخت آن تیر 1314 بود. همچنین، دبستان دخترانه اشرف، با مساحت 1474 مترمربع و هزینه 10000 ریال که به مصرف آن رسید.³⁸ دبستان شاهی با مساحت زیربنایی 4000 مترمربع و 622 مترمربع «تاکنون» (تا زمان گزارش) مبلغ 1109000 ریال هزینه نمود و تاریخ شروع ساختمان دوم تیر 1314 بود.³⁹

در دوره پهلوی اول در کنار گسترش مدارس ابتدایی بر تعداد دبیرستان‌ها و دانش‌آموزان آن‌ها اضافه شد و همچون آموزش ابتدایی، نظام‌مند ساختن آموزش متوسطه، مورد توجه مسئولان فرهنگی قرار گرفت. نخستین دبیرستان دولتی در مازندران در سال 1287 ش با نام دبیرستان نصرت پهلوی در آمل گشایش یافت. این دبیرستان یک دبیرستان یک کلاسه بود و 16 دانش‌آموز داشت. دومین دبیرستان مازندران در سال 1293 ش و در شهر بابل گشایش پیدا کرد. تعداد دانش‌آموزان این مدرسه 93 نفر بود و سومین دبیرستان مازندران نیز در سال 1294 با نام دبیرستان پهلوی در ساری تأسیس شد.⁴⁰ بنا به دستور اداره معارف برای این سه دبیرستان پسرانه، کتابخانه‌هایی نیز در نظر گرفته شده بود و افزایش تعداد کتاب‌های کتابخانه‌ها نیز به یاری افراد خیر و علاقمند به کتاب در حال افزایش بود.⁴¹ این دبیرستان‌ها تا سال 1314 و 1315 تنها دبیرستان‌های مازندران به شمار می‌رفتند و مانند تأسیس دبستان در سال‌های نخستین تأسیس

اش در همه شهرهای مازندران فعالیت نداشتند به مرور تا سال 1318 بر تعداد دبیرستان‌ها در مازندران اضافه شد و دبیرستان‌هایی در تنکابن، نوشهر تأسیس گردید.⁴²

مطابق آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، در سال 1313 و 1314، دبیرستان بابل در زمینی به مساحت 15485 مترمربع و زیر بنای 1526 مترمربع و هزینه‌ی مبلغ 271000 ریال در تاریخ 19 خرداد 1314 ش شروع به کار نمود که کار ساخت آن توسط مهندس ناصر اعظم زنگنه شروع شد و با معماری استاد حبیب‌الله ادامه پیدا کرد.⁴³ همچنین دبیرستان پهلوی ساز در زمینی به مساحت 26550 مترمربع و زیر بنای 1526 متر مربع بود که مبلغ 420000 ریال در دو سال 1313 و 1314 برای ساختمان هزینه شد و در تاریخ 20 مهر 1314 شروع به کار نمود.⁴⁴ دبیرستان کیاکالا با مساحت زمین آن 1000 مترمربع و 248 مترمربع و هزینه مبلغ 48500 ریال صرف ساختمان آن، 4 تیرماه شروع به کار نمود.⁴⁵

در طول این سال‌ها علاوه بر این دبیرستان‌های پسرانه، دو دبیرستان دخترانه در سال 1298ش، در بابل و ساری با نام‌های شاهدخت و ایراندخت در حال فعالیت بودند. در سال 1319ش، در شهر شاهی نیز دبیرستان دوشیزگان تأسیس شده بود. دانشسرای مقدماتی دختران نیز از اقدامات دولت پهلوی برای گسترش و مهیا ساختن امکانات لازم برای تحصیل زنان به شمار می‌رفت. به طوری که در سال 1317 از 32 داوطلب دختر همگی قبول شدند. در حالی که در سال قبل، 24 نفر از داوطلبان قبول شده بودند.⁴⁶ همچنین در طول سال‌های 1314 و 1315 در بین دانشجویان دانشگاه تهران، 8 تن از دانشجویان دانشکده طب و دو نفر از دانشجویان دانشکده فنی، 8 تن از دانشجویان دانشکده معقول و منقول، 1 نفر از دانشکده حقوق و 5 نفر از دانشجویان دانشسرای عالی از اهالی مازندران بودند.⁴⁷

تا سال 1317 تحصیلات شش ساله متوسطه به دو دوره سه ساله تقسیم می‌شد: دوره اول عمومی بود و طی آن دانش‌آموزان مجموعه‌ای از درس‌های ادبی و علمی را فرا می‌گرفتند. این درس‌ها عبارت بود از فارسی، فقه عربی، فرانسه، تاریخ، جغرافی، ریاضیات (حساب و هندسه و جبر) طبیعیات (فیزیک و شیمی)، رسم و نقاشی، دفترداری، مشق خط و ورزش. دوره دوم جنبه تخصصی داشت و به چند شعبه ادبی، علمی، بازرگانی و صنعتی تقسیم می‌شد که هر یک علاوه بر برخی درس‌های عمومی چون فارسی، فرانسه، تاریخ و نقاشی و غیره، مواد برنامه درسی خاص

خود را دارا بودند.⁴⁸ اما در تاریخ 9 فروردین 1317، با تصویب برنامه تحصیلات دوره کامل متوسطه به وسیله شورای عالی معارف، طرح نوینی برای آموزش متوسطه ریخته شد. بر مبنای طرح جدید، برای آن که سطح اطلاعات دانش‌آموزان در قسمت‌های ادبی و علمی وجه بهتری یابد یک دوره پنج ساله مشترک قرار داده شد و سال ششم جنبه تخصصی یافت. بدین معنا که به سه شعبه ادبی، ریاضی و طبیعی تقسیم گردید. در پایان سال پنجم و ششم، امتحان نهایی به عمل می‌آمد. همچنین مقرر شد دوره دوم دبیرستان‌های دخترانه دو قسمت گردد. یک قسمت برای دخترانی که مایل بودند به دانشکده‌ها بروند و قسمت دیگر برای دختران که قصد تحصیلات عالی را نداشتند.⁴⁹ برخلاف آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه رایگان نبود و دانش‌آموزان برای تحصیل در دبیرستان شهریه می‌پرداختند. در تاریخ 28 آبان 1319، هیأت وزیران بر مبنای پیشنهادات وزارت معارف، تصویب کرد که کلیه مدارس متوسطه و عالی دولتی مرکز و ولایات، بدون استثنا غیر رایگان باشند با این حال برخی از گروه‌ها از پرداخت تمام یا قسمتی از شهریه معاف بودند.⁵⁰

برنامه دولت پهلوی اول برای آموزش بزرگسالان بی‌سواد در سال 1315 به اجرا درآمد. در 23 مرداد ماه 1315، هیأت وزیران برنامه و دستور آموزش سالمندان را به تصویب رساند. به موجب این تصویب‌نامه، مدارس اکابر شبانه برای پیگیری دو هدف در سراسر کشور تأسیس شد: نخست تعلیم، خواندن و نوشتن به سالمندان و دوم تربیت فردی و اجتماعی سالمندان و آموختن اطلاعات ضروری به آن‌ها. دوره آموزش سالمندان و برنامه آن شامل: خواندن و نوشتن فارسی به اندازه‌ای که بتواند نیاز خود را از راه خواندن و نوشتن برآورده سازند و از کتاب‌ها و مطبوعات استفاده کنند و نیز حساب مختصر درباره تاریخ و جغرافیای ایران و مختصری از تعلیمات مدنی، بود. مدارس اکابر هفته‌ای شش شب و هر شب به مدت دو ساعت دایر بود. این مدارس برای مأمورین جزء دولتی و ادارات عمومی که سواد نداشتند اجباری بود. در مرکز ایالات و ولایات درجه اول، انجمنی به نام انجمن تربیت اکابر، مرکب از رییس انجمن شهرداری، رییس شهربانی، رییس معارف و یکی از معتمدان محل تشکیل می‌شد که وظیفه آن‌ها منحصرأ تشویق مردم به استفاده از کلاس‌های اکابر بود. وزارت معارف موظف بود که برای اکابر کتاب‌های مخصوصی را که شامل تمام مواد درسی آن‌ها بوده، تهیه کند و آن را بین محصلان و دانش‌آموختگان اکابر به‌طور رایگان منتشر نماید و به دانش‌آموختگان کلاس‌های اکابر گواهی نامه مخصوصی دهد. در پی تصویب این آیین نامه، آموزشگاه‌های شبانه سالمندان نیز در تاریخ 24 شهریور 1315 به تصویب رسید که مطابق آن،

تحصیل دوران شبانه اکابر، دولتی، عمومی و مجانی اعلام شد.⁵¹ در سال 1315، 750 باب کلاس اکابر در نقاط مختلف ایران برقرار شده بود. به طوری که این رقم در مازندران 22 و برای تنکابن 11 عدد بود.⁵²

در کارخانه‌ها نیز برای کارگران بی‌سواد، کلاس‌های سوادآموزی تشکیل شده بود. در کارخانه قندشاهی برای کارگران بی‌سواد کلاس‌هایی برگزار شده بود و کارگران همواره در حال آموختن بودند. نمونه این کلاس‌ها، برای کارگران کارخانه قیر شیرگاه نیز تأسیس شده بود.⁵³ در کنار تشکیل کلاس‌های اکابر برای بی‌سوادان بزرگسال، همواره مجالسی با تأکید بر اخبار اسلامی به لزوم تحصیل و مضرات بی‌سوادی برای تشویق حضور افراد از سوی رییس معارف در دبیرستان‌های شهرهای استان برگزار می‌شد.⁵⁴

تعداد محصلین اکابر در سال 1315 در مازندران و تنکابن 3340 نفر بوده است،⁵⁵ که در کنار افزایش تعداد دانش‌آموزان در دبستان‌ها و دبیرستان‌های استان، بر تعداد اکابر نیز در طی سال‌های بعد اضافه شده بود به طوری که این رقم در سال 1318 به 5617 نفر در تنکابن و مازندران رسید.⁵⁶ در سال 1315 رییس اداره معارف مازندران، متولیان و متصدیان موقوفات را تشویق کرد که از درآمد موقوفات عمومی، هزینه تحصیل محصلین بی‌بضاعت اکابر را تهیه کنند.⁵⁷

در این راستا با توجه به وفور منابع طبیعی، مدارس در راستای حفاظت از این منابع و تولید بهتر محصولات شکل گرفت. برای نمونه، مدرسه جنگل‌بانی با موافقت و نظارت وزارت اقتصاد ملی در محل زیرآب مازندران تأسیس شد و عده‌ای از افرادی که داوطلب محافظت و نگهداری جنگل بودند، مشغول فرا گرفتن و آموختن فنون جنگل‌بانی شدند.⁵⁸ همچنین در دبستان‌های اشرف، شاهی، نوشهر و فیروزکوه به ایجاد دبستان‌های فلاحتی توجه شد که در کنار برقراری مؤسسات فلاحتی در استان تأسیس شدند.⁵⁹ علاوه بر دبستان‌های فنی، دبیرستان‌های فنی نیز بر پا شدند؛ مانند دبیرستان فلاحتی با نام دبیرستان خسروی.⁶⁰ همچنین هنرستان‌های نساجی نیز در مازندران در حال فعالیت بودند. این دبیرستان‌ها در آمل و شاهی فعال بودند و طوری که در هنرستان نساجی در شهر شاهی 100 دختر و پسر در حال آموزش بودند.⁶¹

مدارس زنان

نبود امنیت اجتماعی زنان در عهد قاجار از عواملی بود که باعث کندی جریان تأسیس مدارس دختران در ایران شد. عواملی هم‌چون بحران‌های سیاسی و اجتماعی، دخالت بیگانگان و ضعف دولت مرکزی، عدم امنیت اجتماعی را در شهرها گسترش داد و همین مسئله بیش از پیش، زنان را از حضور در جامعه و به تبع آن از آموزش محروم ساخت.⁶² از سویی، عوام، کسب علم را برای دختران مغایر با مذهب می‌دانستند و اجازه نمی‌دادند دخترانشان به مدرسه بروند. مردم خانه‌شان را برای مدرسه اجاره نمی‌دادند، زیرا آن جا را خانه‌ی فساد قلمداد کرده، حتی گاهی به تابلوی آن سنگ پراکنی می‌کردند و دیوانگان را می‌گماشتند تا مزاحم شاگردان و مدیر آن مدرسه شوند.⁶³ از سویی با تأسیس مدارس در دوران جدید، انتخاب نام بسیاری از مدارس گویای همین مسئله است. نام‌هایی مانند عصمتیه و ناموس بدین معنی بود که موسسان مدارس می‌خواستند ثابت کنند که مدرسه‌های دخترانه برخلاف آنچه که می‌گویند، اسلامی و مذهبی هستند و هیچ بی‌عصمتی و بی‌حجابی در آن جا صورت نمی‌گیرد. یکی دیگر از معضلاتی که مدارس دخترانه با آن مواجه بودند، مشکلات مالی بود، زیرا به علت وضعیت اجتماعی و امکانات مالی زنان ایرانی، تأمین سرمایه اولیه برای تأمین و اداره مدارس دخترانه توسط اکثر بانیان مدارس بسیار دشوار بود. با روی کار آمدن رضاشاه و برقراری بهبود نسبی در امنیت اجتماعی و توجه به اصلاحات در ساختارها، برنامه حکومت متجددانه بود و با سواد و به تبع آن ترقی نسوان مورد توجه قرار گرفت و آموزش دختران که تا پایان دوره قاجار همچنان به صورت مکتب‌خانه‌ای رایج بود، به تحولات نوینی رو آورد. رژیم شاه با کم توجهی به مقاومت روحانیون و تعصب مردم عامی در مخالفت با تحصیل زنان، توانست بهبود شایان توجهی در امکانات تحصیلی برای زنان ایجاد کند.

از سال 1298ش، اولین دبستان دخترانه در مازندران و در شهرستان بابل تأسیس شده بود. پس از این مدرسه دومین دبستان دختران، دبستان دخترانه رودسر بود که در آن زمان از توابع تنکابن به شمار می‌رفت و در سال 1303ش تأسیس شده بود. در سال 1306ش، یک دبستان دخترانه با نام دبستان دخترانه شاهدخت در آمل و بابل تأسیس شد. این جریان در سال 1307ش دنبال شد و در این سال سه دبستان با نام سعادت، ایراندخت و دوشیزگان در ساری و ایراندخت در اشرف و دختران در شاهی و مشهدسر تأسیس شدند که در این بین مشاهده می‌شود که شاهی و

بابل با داشتن دو دبستان دخترانه نسبت به سایر شهرها بیشترین تعداد را دارا بودند. در سال 1309، از 150 هزار دانش‌آموز ابتدایی و متوسطه کل کشور، 35 هزار نفر آنان دختر بودند. در دهه 1310 شمسی با افزایش توجه محافل عمومی و خصوصی به پیشبرد آزادی زنان مسأله آموزش زنان شتاب بیشتری گرفت.⁶⁴ در سال 1313ش گذشته از آمل، بابل و ساری، شهرهای اشرف، شاهی و مشهدسر نیز دارای دبستان‌های دخترانه گردیدند. اما یکی از مشکلات این مدارس این بود،⁶⁵ که مدارس دخترانه دبستان‌های ابتدایی بودند و پس از پایان دوران شش ساله ابتدایی، راه پیشرفت به مقاطع بالا را نداشتند⁶⁶ با این حال درخواست برای تأسیس مدارس دخترانه همواره از جمله تقاضاهای اهالی مازندران بود که به کمبود آن در ولایات خود اعتراض داشتند. به طوری که 30 نفر از اعیان و تجار مشهدسر خواستار تأسیس مدرسه دخترانه در سال 1306 در مشهدسر شده بودند. به عقیده آنان، دختران مشهدسری که به واسطه بی‌اطلاعی از حقوق خودشان به گدایی و یا کسب و کار مشغول هستند ممکن است در آینده به «فساد اخلاق» کشیده شوند، درخواست کرده بودند تا به تشکیل یک مدرسه دخترانه در آن جا موافقت نمایند.⁶⁷ به رغم کمبود بودجه دولتی برای تأسیس مدارس دخترانه، برخی از اهالی مازندران، خواستار تأسیس مدارس دخترانه در ولایات خود نیز شده بودند.⁶⁸

در کنار افتتاح مدارس از سوی دولت برخی از زنان علاقمند به تحصیل زنان نیز به افتتاح مدارس پرداخته بودند. در سال 1312 یک باب دبستان دخترانه به مدیریت مهرانگیز نجم‌آبادی در شاهی افتتاح شده بود.⁶⁹ یکی از زنان تنکابنی علاقمند به تحصیل زنان برای آموزش زنان تنکابین مدرسه‌ای به نام مدرسه سعادت را به هزینه شخصی خود تأسیس کرده بود.⁷⁰ اما به دلیل اینکه یکی از مشکلاتی که مدارس دخترانه با آن مواجه بودند مشکلات مالی بود و وضعیت اجتماعی و امکانات مالی زنان ایرانی تأمین سرمایه اولیه برای تأمین و اداره‌ی مدارس دخترانه توسط اکثر بانیان مدارس بسیار دشوار بود. به همین خاطر برخی از کسانی که در نواحی تحت سکونت خود تشکیل دبستان دخترانه داده بودند، پس از چندی از پرداخت هزینه‌های آن در ماندند و از حکومت درخواست می‌کردند که مدارس تحت تکفل آن‌ها را به مدارس دولتی تبدیل کنند. در شهر ساری خانم زرین تاج (نام خانوادگی ناخوانا) مدرسه‌ای به نام سعادت دوشیزگان را تأسیس کرده بود، اما به علت صغر سن امتیاز تأسیس مدرسه به او داده نشد ولی «بر اثر حسن مراقبت در مدیریت و امور صحی و تدریس محصلین چون مواد بند دو، سه، چهار، متحدالمال 20 آبان 1309 بوده

است» از بند 1 برای او صرفه نظر کرده بودند، اما خود خانم زرین تاج به خاطر فشار فکری و خسارت‌های مالی، پس از 5 سال مدرسه شش کلاسه خود را با 200 نفر دانش‌آموز به دولت واگذار کرد.⁷¹

جمعی از فارغ‌التحصیلان مدرسه دخترانه بارفروش که 350 نفر شاگرد داشت حاضر به تدریس مجانی بوده‌اند لذا درخواست تأسیس یک مدرسه‌ی دو کلاسه را داشته‌اند.⁷² سال 1307 یک مدرسه‌ی دولتی 4 کلاسه در تنکابن در زمان آقای آهی برقرار شده بود و پس از برکناری او این مدرسه تعطیل شد و اثاثیه‌ی آن مورد توجه زنان فرهیخته که در اداره معارف بودند و یا معلم بودند قرار گرفت و آنان درصدد برآمدند که به کمک این اثاثیه یک مدرسه دخترانه برقرار کنند که 6 کلاس دارد.⁷³ در سال 1315 " شورای عالی فرهنگ " (آموزش و پرورش) این پیشنهاد را تصویب کرد و دخترانی که یازده سال تحصیلی و متوسطه را تمام کرده‌اند بتوانند وارد کلاس مخصوص دانشسرای مقدماتی شوند تا بتوانند برای تحصیل در مقاطع بالاتر آمادگی پیدا کنند.⁷⁴

پیش‌آهنگی در مازندران

پیش‌آهنگی و توجه به ورزش در دوران رضاشاه مورد توجه بود. پیش‌آهنگ کسی بود که به قدر توانایی خود می‌بایست وظیفه خود را نسبت به خدا، شاه و میهن انجام داده و از منش پیش‌آهنگی اطاعت کند.⁷⁵ در طول دوران رضاشاه، دسته‌های پیش‌آهنگی مازندران در شهرهای مختلف بابل، ساری، آمل، شهبسوار و سایر شهرها در مراسم ورود رضاشاه یا ولیعهد به مازندران، مراسم سالگرد ولادت رضاشاه، جشن تاجگذاری و نیز جشن آیین درخت‌کاری بیشترین توجهات را به خود جلب می‌نمودند. در رژه سوم اسفند، تعداد زیادی پیش‌آهنگ و نیز دانش‌آموز در این حرکت شرکت کردند.⁷⁶ محصلین مدارس همواره به حالت آماده باش بودند و لباس پیش‌آهنگی خود را به همراه داشتند، «زیرا یک باره در وسط درس فراش می‌آمد و می‌گفت برای تمرین یا آمدن شاه یا فلان جشن کلاس تعطیل است. آن وقت همه لباس پیش‌آهنگی می‌پوشیدند و به دستور معلم مربوط آماده اجرای امر می‌شدند.»⁷⁷ پیش‌آهنگان در مراسم‌های خود سرود می‌خواندند و پرچم را به اهتزاز در می‌آوردند.⁷⁸

مطابق یکی از مقالات مندرج در مطبوعات، اهمیت پیش‌آهنگی برای اثبات این نکته بود که ملت ایران لیاقت همه نوع ترقی و تقدم را دارد و ترقی سریع برای ایرانی میسرتر و آسان‌تر از سایر

ملل است. پیش‌آهنگی در مازندران در سال 1305 ش تأسیس شد و در زمان اندکی پیشرفت زیادی نمود و برای نخستین بار پیش‌آهنگان نقاط مختلف مازندران، در 29 خرداد 1306 به مدت 6 روز در بارفروش گرد هم آمدند و نمایشات جذابی که موجب استقبال مردم شد، برگزار کردند. مطابق گزارش‌ها، این‌گونه حرکات اگرچه در ابتدا برای برخی از مردم که کمتر به صفات حسنه آراسته بودند، عجیب می‌آمد، ولی بعد از آن که مسافرت پیش‌آهنگان در سراسر ایران عادی شد، یک امر طبیعی و مسلم تلقی شد. نویسنده مقاله، اشاره به خاطرات خود در دوران کودکی می‌نماید که در آن دوره، مدرسه را مکان همه نوع فساد می‌دانستند و به خصوص مکتب‌دارهای قدیم تبلیغات زیادی علیه مدارس می‌کردند و مردم با ترس و احتیاط کودکان خود را به مدرسه می‌فرستاد ولی امروز مدرسه کعبه آمال ما، بیگانه وسیله برای زندگی صحیح به شمار می‌رود و از نظر بقال و عطار و عالم و جاهل، فرستادن اولاد خود به مدرسه از امور عادی غیر متصور است. همچنین در تشریح اهمیت پیش‌آهنگی اشاره می‌کند که دانش‌آموزان مازندران علاوه بر مطالعه و حضور در مدارس، در کنار آن به عمل و کار عادت کرده و فعالیت و شور و هیجانی در حال بستن پل و کمک به یکدیگر نشان می‌دهند که به واقع نشان از تربیت اصیل دارد. وی همچنین، نیاز مبرم به پیش‌آهنگی را نوعی علم تلقی می‌کند که طبق آن، افراد را از تکرار تجارب دیگران بی‌نیاز می‌دارد و از دچار شدن به هزاران فلاکت و بدبختی حفظ کرده و دارای ویژگی‌هایی می‌کند که زمینه برای پیشبرد منفعت خویش و جامعه فراهم شود. نویسنده همچنین معتقد است، مردمی که به صفات اعتماد به نفس متصف هستند، دارای تشکیلات منظم پیش‌آهنگی بوده و پیشرفت خود را منوط به تأثیرات روحی و اخلاقی این تشکیلات می‌دانند. در این صورت باید پذیرفت که یگانه وسیله برای ورود ایران به عرصه زندگی پویا، اهمیت دادن به پیش‌آهنگی است. وی هم‌چنان به تأثیرات مثبت روانی این حرکات اشاره می‌کند:

«پیش‌آهنگی با برنامه مفصل خود بیشتر به تصفیه اخلاق مذموم و تزریق اخلاق نیکو و تقویت اراده (می‌پردازد) و باعث ایجاد حس وطن پرستی و روحیات اجتماعی و عزم اراده ثبات و استقامت می‌شود و از طرف دیگر انجام فعالیت‌های عملی و صنعتی که پیش‌آهنگان در اوقات فراغت در مدرسه به آن می‌پردازند، سبب وجود آوردن جوانان عملی و مردان کار می‌شوند و با بازی‌های تربیتی، بسیاری از امکانات محصلین را از قبیل حدس، تخیل، تدقیق، تأمل، نمو و رشد مخصوصی می‌دهد و در آن‌ها حس تربیت و انتظام را تولید می‌نماید، پیش‌آهنگی به فکر و روح به اندازه‌ی

بدن و بلکه بیشتر اهمیت می‌دهد.⁷⁹ نویسنده همچنین به اهمیت پیش‌آهنگی در زمان اشاره می‌کند که این استان در این عملیات پیشگام ایالات دیگر شد. اگرچه سایر ولایات و ایالات از قبیل گیلان، کرمان، همدان، کرمانشاه و کردستان در پیش‌آهنگی پیشرفت‌های داشتند اما تأثیراتی که پیش‌آهنگی در مازندران در خانواده‌ها و محیط خود گذاردند و اهالی را مفتون کارهای نیک روزانه خود نموده‌اند بسیار چشمگیرتر بوده است.

مطابق گزارش‌ها، 25 فروردین 1308 ش، مراسم خاصی برای پیش‌آهنگان بود. در این مراسم پیش‌آهنگان بارفروش (بابل) در سبزه میدان در حضور ولیعهد، حاکم مازندران و برخی از بزرگان این ایالت به اجرای نمایش و عملیات پیش‌آهنگی پرداختند.

نخستین مؤسسات ورزشی پیش‌آهنگی مازندران در سال 1312 ش فعالیت خود را آغاز نموده بودند. مؤسسات فوتبال و والیبال در دبستان و دبیرستان‌های ساری تأسیس شد. پس از این تاریخ به تدریج مؤسسات پیش‌آهنگی در شهرهای آمل، بابل، بابلسر و شهنسوار تا سال 1317 ش تأسیس شده بودند. انجمن‌های تربیت بدنی که طی این سال‌ها در شهرهای مختلف تشکیل شده بودند با تشکیل مجالس سخنرانی دربارهٔ فواید ورزش و توجهات رضاشاه به ورزش، مردم را به شرکت در تأسیس کلوپ‌های ورزشی و کمک در تهیه وسایل ورزشی تشویق می‌کردند.⁸⁰ یکی از اقدامات سازمان‌های پیش‌آهنگی در استان، برگزاری مسابقات ورزشی بین تیم‌های مدارس شهرها و گاه بین روسای ادارات دولتی بود و دسته‌های پیش‌آهنگی به همراه کارکنان معارف به عملیات صحرانوردی و پیش‌آهنگی دست می‌زدند.⁸¹

یکی از موانعی که در آموزش همگانی ایجاد مشکل می‌کرد، فقر مردم این مناطق بود. طبق گزارشی، شهر بابل با وجود 7 هزار محصل و محصله، دو باب و نیم مدرسه داشت و جز 1500 نفر از محصلان، دیگران تحصیل نمی‌کردند. از طرفی برخی مدارس از کودکان شهریه درخواست می‌نمودند و خانواده‌های بی‌بضاعت توانایی پرداخت آن را نداشتند و فقط هنگامی اداره معارف حاضر به پذیرش آن‌ها بود که ادارهٔ نظمی بی‌بضاعتی آنان را تأیید کند و البته صرف اظهار بی‌بضاعتی و بازدید از وضعیت معیشت خانگی مردم کفایت نمی‌کرد. این رویه که در مدارس پهلوی هم جریان داشت،⁸² در شرایطی بود که یکی از اهداف مدرن‌سازی ایجاد دبستان و دبیرستان‌های دولتی رایگان بود.⁸³ مطابق گزارش‌ها، حاکم ایالت مازندران برای بهبود وضع مدارس

و دانش‌آموزان بی‌بضاعت کمک‌های مالی می‌نمود. یمین اسفندیاری حاکم مازندران به همراه رییس اداره معارف (فرهودی) به مدرسه رفته و از طرف ایالت 15 تومان برای لباس و کتاب دانش‌آموزان بی‌بضاعت به مدیر مدرسه داده بود.⁸⁴

با وجود تأسیس دبستان‌ها و دبیرستان‌های متعدد در مازندران، اما برخی مناطق و به ویژه روستایی، از داشتن این مدارس محروم بودند. کدخدای دونای نور تقاضای تأسیس مدرسه را در آنجا داشت و رییس معارف نیز در جواب اعلام نمود که اعتبار کافی را برای ساخت مدرسه در این ناحیه را ندارد.⁸⁵ همچنین مردم نشتارود که در امتداد خط شوسه مازندران به گیلان بودند تقاضا داشتند، 1 باب مدرسه دولتی برای آنان ساخته شود تا فرزندان آنان که در حدود 500 نفر بودند «از حالت توحش خارج شوند».⁸⁶ در گلوگاه یک مدرسه‌ی یک کلاسه ساخته شده بود که فقط تا کلاس اول را داشت و مقاطع بالای تحصیلی را نداشت و مردم آنجا تقاضای افزایش مدرسه را داشتند.⁸⁷ این دبستان‌ها از یک کلاس تا شش کلاس در نواحی مختلف گسترش پیدا کرده بودند و به بیان دیگر کلاس‌های محدودی داشتند که گاه گسترش آن‌ها بدون توجه به جمعیت مناطقی بود که دبستان‌ها در آن تأسیس شده بود. لذا اهالی مازندران در نواحی مختلف به نبود مدرسه و یا کمبود آن‌ها که جوابگوی نیاز فرزندان آن‌ها در امر تحصیل نبود اعتراض داشتند. مردم ناحیه نور به اداره معارف استان اعتراض کردند که چرا بلده نور با 3000 نفر جمعیت و یوش با 500 نفر جمعیت باید هر دو به طور مساوی یک باب مدرسه داشته باشند؟⁸⁸

اهالی پنجرستان در کجور اظهار کردند که کجور دارای 12 بلوک است و تنها دو مدرسه در منطقه قشلاقی وجود دارد و حال آنکه منطقه بیلاقی اصلاً مدرسه وجود ندارد، ولی تنکابن و کلارستاق دارای 6 تا 7 مدرسه هستند.⁸⁹ اهالی سه روستای درپیچ ده، انکرو، ناحیه با اشاره به جمعیت بالغ بر 100 خانوار خواستار تأسیس یک باب مدرسه بودند.⁹⁰ مدرسه‌هایی که در گوشه و کنار مازندران تأسیس شدند، کلاس‌های محدودی داشتند، به طوری که با افزایش جمعیت دانش‌آموزان، کافی نبودند. لذا اطفال برای تحصیل با مشکل روبرو می‌شدند که یا به مناطق مجاوری که دارای کلاس بیشتری بوده رفته و یا از ادامه تحصیل خودداری می‌کردند.

ب) فرهنگستان

در دوران رضاشاه ملی‌گرایی یکی از زیرساخت‌های فکری حکومت بود که در ابتدا به صورت بیگانه‌ستیزی و تنفر هرگونه تظاهر غیر ایرانی جلوه گر شد، اما پس از چندی فرهنگ اروپایی از این قاعده مستثنی شد و لبه‌ی تیز این سیاست فرهنگ اسلامی و زبان عربی را نشانه گرفت.⁹¹ جهت‌گیری هویت ملی در دوران رضاشاه به سه دسته تقسیم می‌شد: 1- ایرانی‌گرایی با تأکید بر لزوم تجدید عظمت ایران باستان 2- غرب‌گرایی با تأکید بر مظاهر بیرونی تمدن غرب 3- شاه محوری و تلاش برای خلق وجهه کاریزماتیک. سیاست ایران‌گرایی در حوزه ادبیات مکتوب با بزرگداشت شاعران پارسی زبان به خصوص فردوسی و شاهنامه توأم بود. رضاشاه در دوران وزارت جنگ، هفت نفر را برای توصیف وقایع تاریخی، خواندن و توضیح اشعار ادبی فراخواند. تأثیر فردوسی بر او چنان قوی بود که باعث گریستن وی شده بود.⁹² بزرگداشت مقام فردوسی با هدف احیای ارزش‌های ملی و میهنی به تشکیل کنگره بین‌المللی هزاره‌ی فردوسی در سال 1313ش منجر شد که در آن چهل خاورشناس از هفده کشور جهان شرکت نمودند و انجمن آثار ملی آن را برگزار و سازماندهی کرد و عوامل آن، از الهام دهندگان ملی‌گرایی بودند.⁹³ اگرچه درک اهداف برگزاری این کنگره برای روشنفکران جامعه، بیشتر از توده‌ی مردم ملموس بود، حکومت سعی کرد این مراسم، در استان‌های مختلف نیز برگزار شود. در استان مازندران نیز به این مناسبت، بزرگداشتی در شهرهای مختلف استان برگزار شد. تنظیم برنامه‌ی جشن فردوسی از طرف حکومت (مازندران) انجام می‌شد و با دعوت از رؤسای ادارات و تجار، بخش‌هایی از اجرا و برگزاری جشن، به آنان واگذار می‌شد.⁹⁴ این مجالس که همراه با شور و هیجان حاضر بود، به وسیله‌ی اداره‌ی معارف شهرها برگزار می‌شد. محل برگزاری این مراسم، مانند سایر اقدامات جدید حکومت در میادین عمومی، مانند میدان اصلی شهرها و یا اداره‌ی معارف تشکیل می‌شد. تا با برانگیختن حس کنجکاوی اهالی درباره‌ی موضوع جشن، آنان را با شخصیت و اثر بزرگ او شاهنامه آشنا کنند. علاوه بر این موضوعات، سخنرانی نیز بر توده تأثیر زیادی گذاشت. در یکی از این مراسم‌ها در شهر آمل، جشن باشکوهی در اداره‌ی معارف این شهر برگزار شد. رؤسای ادارات و کارمندان که به جشن دعوت شده بودند، حضور داشتند و دانش‌آموزان، سرودهای مهیجی خواندند و سخنرانی مفصلی درباره‌ی این دانشمند بزرگ ایراد شد. همچنین اداره‌ی حکومت و اداره‌ی نظمیه نیز در این راستا جشن‌های مفصلی برگزار کردند.⁹⁵ در شهر بابل مجلس جشن بزرگی در باغ ملی بابل برگزار شد که در یک سوی این باغ، شاگردان مدرسه شاهپور با لباس فرم و پرچم-

های سه رنگ و رؤسای ادارات، تجار و جمعیت زیادی از محترمین و اهالی در سوی دیگر باغ گرد آمده بودند. پس از سخنرانی حاکم بابل، یکی از شاگردان مدرسه‌ی شاهپور صحبت مفصلی درباره‌ی تاریخ حیات این حکیم و دانشمند ایراد نمود. سپس دسته‌ای از ورزشکاران ورزیده و شاگردان مدرسه‌ی شاهپور زیر نظر ماموران پلیس، به انجام نمایش‌های حرکتی پرداختند.⁹⁶ نمونه‌ی این مجالس در ساری، شاهی، فیروزکوه و دیگر شهرهای مازندران برگزار شد.⁹⁷ به دستور اداره معارف استان، در کنار این جشن‌ها که در شهرهای مختلف مازندران تشکیل شد. از طرف اداره‌ی معارف و اوقاف، مسابقات ورزشی به ویژه مسابقه‌ی فوتبال میان دانش‌آموزان مدارس در هر یک از شهرها برگزار شد و به برندگان این مسابقات مدالی با نام فردوسی اهدا شد.⁹⁸

از طرف بلدیة ساری، در سبزه میدان این شهر، مجلس جشنی با حضور مردم برگزار و به انجام نمایش‌ها و حرکات ورزشی پرداخته شد.⁹⁹ در سربازخانه‌ی ساری نیز، مجلس جشنی همراه با رقابت کشتی، جنگ سر نیزه و ورزش‌های صحرائی برگزار گردید.¹⁰⁰ در شهسوار نیز مجلسی در اداره‌ی حکومتی با حضور رؤسای «دوایر و اهالی برگزار شد و کودکان مدارس خطابه‌ای را قرائت کردند.»¹⁰¹

ایرانی‌گرایی رضاشاه در ادبیات در دو بخش زبان و ادبیات مکتوب رخ داد و شاید به خاطر سفر رضاشاه به ترکیه بود. رضاشاه در جریان سفر به ترکیه با تحولات زبانی آن‌جا آشنا شد و پس از بازگشت، تصفیه زبان فارسی از کلمات بیگانه را آغاز کرد که منجر به تأسیس فرهنگستان زبان فارسی در خرداد ماه 1314 ش، به پیروی از فرهنگستان فرانسه¹⁰² شد که به طور رسمی جنب کتابخانه‌ی مسجد سپهسالار افتتاح شد.¹⁰³ بدون شک، پایه‌گذاران اولیه و اصلی فرهنگستان، افرادی هم‌چون ذکاءالملک فروغی (رییس الوزرا)، عیسی صدیق (صدیق اعلم) و میرزا علی‌اصغر خان حکمت (وزیر معارف) بودند که به دنبال تحولات سیاسی اجتماعی ایران، اندیشه‌ی تشکیل فرهنگستان را به عنوان یک ضرورت و نیاز ملی در دستور کار قرار دادند تا زبان فارسی که در آن روزگار دستخوش حوادثی بی‌شمار و غریب شده بود، مصون و پایدار بماند.¹⁰⁴ فرهنگستان دارای وظایف عمده در زمینه‌ی لغت، دستور زبان، کتاب‌های قدیمی، اصطلاحات محلی، خط و غیره بود که لغت‌سازی دیگر وظایف فرهنگستان را تحت شعاع قرار داده بود. فرهنگستان زبان فارسی از سال 1314 تا سال 1320 ش، سه مرحله را پشت سر گذاشت و ریاست آن در طول این سال‌ها، به ترتیب بر عهده‌ی فروغی، سمیعی و سپس وثوق الدوله و مرآت قرار داشت. در دوران ریاست فروغی که فرهنگستان زبان فارسی در مرحله‌ی اول حیات خود قرار داشت، مسئله‌ی تغییر نام

شهرهای مختلف در دستور کار فرهنگستان قرار گرفت و با تصویب شاه، نام‌های جدیدی برای تعدادی از شهرها و شهرستان‌های شرقی و مرکزی در نظر گرفته شد.¹⁰⁵ در کنار فرهنگستان زبان فارسی که به تغییر اسامی جغرافیایی همت گماشت، از آن‌جا که وزارت جنگ دربار و ریاست وزرا نیز در این تغییرات دستی داشتند، لذا برای اینکه منبع این تغییرات مشخص باشد، کتابی به نام واژه نو در سال 1319ش به طبع رسید که متعلق به وزارت دارایی بود و روی آن قید شده بود که این واژه‌ها از مصوبات فرهنگستان هستند.¹⁰⁶

در میان اسامی جغرافیایی که به وسیله‌ی فرهنگستان زبان فارسی تغییر پیدا کرد، اسامی شهرها و قصبات مازندران نیز دیده می‌شد. بنا به دستور فرهنگستان زبان فارسی، نام شهر بار فروش به بابل، مشهدسر به بابلسر، سخت سر به رامسر، شاهی به علی آباد، دهنو به نوشهر تغییر نام داده بود.¹⁰⁷ در این بین، نام مشهدسر به بابلسر، بدون نظر فرهنگستان و به دستور دفتر ریاست وزرا تغییر پیدا کرده بود.¹⁰⁸ در زمینه‌ی تغییر اسامی مناطق حکومت مازندران، اسامی مناطقی از نور، آمل و لاریجان را به فرهنگستان زبان فارسی فرستاد، اما فرهنگستان این واژه‌ها را مورد بررسی قرار نداد و لغتی را تأیید یا رد نکرد و نتیجه‌ی آن معلوم نشد.

محمود جم در تاریخ 1316/11/21ش در پاسخ به حکومت مازندران درباره‌ی تغییر نام روستاهای بخش نور مانند کچل ده را مناسب دانست. بنا به دستور رضاشاه نام برخی از ایستگاه‌های راه‌آهن سراسری نیز تغییر پیدا کرد. این تغییر در 1316/8/6 و 1316/9/23ش به فرهنگستان زبان فارسی ابلاغ شد. ایستگاه شماره‌ی 2 شمال که قبلاض قراسو گفته می‌شد، سیاهاب نام-گذاری شد و ایستگاه شماره‌ی 6 و شهر آن که قبلاً اشرف گفته می‌شد، بهشهر نام‌گذاری شد.¹⁰⁹ این دستور به وسیله‌ی وزارت داخله به وزارت مالیه در تاریخ 1317/1/4 ابلاغ شد.¹¹⁰

نتیجه‌گیری

مازندران با توجه به اینکه شخص رضاشاه توجه خاصی به این اقلیم داشت از تحولات زیادی در زمینه آموزش و تأسیس مدارس جدید برخوردار گشت، به نوعی رضاشاه از جمله عوامل تاثیرگذار در پیشرفت کشور و فاصله گرفتن از جامعه سنتی را در آموزش مدرن دید وسیعی کرد با ارائه آموزش مدرن در مدارس و توجه زیاد به این امر، و خصوصاً آموزش به سبک جدید برای بانوان که تا قبل از این توجه‌ای به آن به جهت مقاومت روحانیون با آموزش زنان دیده می‌شده و هم‌چنین در

مقابل تضعیف نهاد روحانیت به عنوان متولی آموزش سنتی گامی بس بزرگ در جهت هر چه بیشتر به سبک اروپاییان در آوردن کشورش بردارد. از جمله اقدامات رضاشاه در زمینه فرهنگی تأسیس گروه پیش آهنگی بوده که مازندران از سردمداران این گروه بوده که به شدت در آن فعال بودند، البته ضعف‌های زیادی هم داشته (پیش آهنگی) و نتوانسته به اهداف محوری خود برسد. با توجه به اینکه از جمله اقدامات فرهنگی رضاشاه، تأسیس فرهنگستان فارسی بود و هدف از تأسیس آن تقویت زبان فارسی و همچنین پالایش این زبان کهن از واژه‌های بیگانه بود، در راستای اقدامات این فرهنگستان ایالت مازندران نیز متولی مراسمات فرهنگی بوده و از جمله تحولات این نهاد، در ایالت مذکور، تغییر اسامی برخی از شهرهای مازندران مانند بارفروش به بابل، دهنو به نوشهر و اشرف به بهشهر و غیره بوده است. در مجموع می‌توان گفت تعداد مدراس احدائی در این دوره، تناسب چندانی با میزان واجدین شرایط تحصیل خصوصاً مناطق روستایی نداشت و اکثریت قریب به اتفاق همین مقدار مدارس جدید هم از نظر مالی دچار مشکل بودند و حتی مدارس خصوصی، بعد از زمان کوتاهی به واسطه مشکلات مالی به دولت واگذار می‌شد. همچنین درست است که اقدامات فرهنگی صورت گرفته در این استان هم چون تغییرات در نظام آموزشی و تأسیس مدارس جدید قابل توجه بود اما اگر بودجه کافی برای توسعه و حفظ کادر آموزشی اختصاص می‌یافت امکان بهره‌مندی بیشتر شهرهای این استان از آموزش جدید علاوه بر ساری، آمل، بابل و شاهی، فراهم می‌شد.

یادداشت‌ها:

- ¹ - پویا قاسمی، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجار، بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1377، صص 45-80.
- ² - ذاکر حسینی، عبدالکریم، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران: دانشگاه تهران، 1368، ص 59.
- ³ - محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 2537 شاهنشاهی، ج 2.
- ⁴ - اداره کل انطباعات، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه 1314-1315، شرکت سهامی چاپ، ص 50.
- ⁵ - مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره ششم تقنینیه (12 مرداد 1305-22 مرداد 1307)، چاپخانه مجلس، تهران، تیر 1334، صص 505-506.
- ⁶ - تعلیم و تربیت، سال 1، شماره اول، فروردین ماه 1304، ص 30؛ تعلیم و تربیت، سال 2، شماره نهم و دهم، آذر و دی ماه 1306، ص 460.
- ⁷ - قلی پور گودرزی، شهرام، «بازخوانی یک سند، بازخوانی یک سند، چشم اندازی بر معارف آموزش و پرورش مازندران در سال 1309»، ستاره سو، (سوره مازندران) سال 3، شماره 1، 1391، ص 43؛ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه 1314-1315، صص 60-61.
- ⁸ - همان.
- ⁹ - ستاره ایران، سال 12، شماره 168، یکشنبه 27 فروردین 1306، ص 3.
- ¹⁰ - اطلاعات، سال 12، شماره 3448، چهارشنبه 23 فروردین 1317، ص 4.
- ¹¹ - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه 1314-1315، صص 60-61.
- ¹² - تعلیم و تربیت، سال 2، شماره دهم، دی 1306، صص 544-546؛ تعلیم و تربیت، سال 3، شماره یازده و دوازده، بهمن و اسفند 1306، صص 547-557.
- ¹³ - اطلاعات، سال 10، شماره 2535، 25 تیر 1314، ص 3.
- ¹⁴ - همان، سال 12، شماره 3225، سه شنبه 26 مرداد 1313، ص 2.
- ¹⁵ - تعلیم و تربیت، سال 2، شماره هفتم و هشتم، مهر و آبان 1305، صص 437-440.
- ¹⁶ - آینده ایران، سال 3، شماره 12، شنبه 3 دی 1311، ص 3.
- ¹⁷ - قلی پور گودرزی، «بازخوانی یک سند، بازخوانی یک سند، چشم‌اندازی بر معارف آموزش و پرورش مازندران در سال 1309»، ص 43.
- ¹⁸ - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه 1314-1315، ص 35.

- 19 - انتشارات کل نگارش، آموزش و پرورش ماهنامه فنی و رسمی وزارت فرهنگ، سال 10، شماره 5، مرداد 1319.
- 20 - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه 1314-1315، صص 60-62.
- 21 - همان، سال 13، شماره 3723، شنبه 26 دی 1317، ص 11.
- 22 - همان.
- 23 - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه 1314-1315، ص 77.
- 24 - سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک 297034029، محل در آرشیو 212 گ 5 آپ 1.
- 25 - نوری، مصطفی، اسناد مازندران در دوره رضاشاه (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی)، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، 1389، ص 250، سند 105.
- 26 - همان، ص 236، سند 95.
- 27 - اطلاعات، سال 11، شماره 3074، چهارشنبه 19 اسفند 1315، ص 3.
- 28 - نوری، اسناد مازندران در دوره رضاشاه (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی)، ص 254، سند 107.
- 29 - اطلاعات، سال 4، شماره 950، 25 دی 1308، ص 3.
- 30 - وزارت اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه 1314-1315، ص 50.
- 31 - سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک 297029856، محل در آرشیو 117 ق 3 آپ 1.
- 32 - همان، شماره مدرک 297029997 محل در آرشیو 401 ق 3 آپ 1.
- 33 - وزارت امور خارجه، کارتن 35، پوشه 54، سند 2، سال 1306.
- 34 - نیای، جعفر؛ حسین‌زاده، پوراندخت، بابل (شهر زیبای مازندران)، تهران: رامرنگ، 1379، ص 289.
- 35 - آموزش و پرورش، سال 10، شماره 10 و 11، دی و بهمن 1319، صص 42-43.
- 36 - سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک 297034029 محل در آرشیو 212 گ 5 آپ 1.
- 37 - اداره کل انطباعات، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، تاریخچه‌ی ساختمان‌ها و تعمیرات معارفی و اوقافی در سال 1313 و 1314، مطبعه مهر، ص 40.
- 38 - همان، ص 41.
- 39 - همان، ص 38.
- 40 - تعلیم و تربیت، سال 7، شماره چهار، پنج، شش و هفت، تیر، مرداد، شهریور و مهرماه 1316، صص 271-270.
- 41 - اطلاعات، سال 1، شماره 26، چهارشنبه 22 اردیبهشت 1305، ص 2.
- 42 - آموزش و پرورش، سال 10 و 11، دی و بهمن 1319، صص 42-43.
- 43 - اداره کل انطباعات، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، تاریخچه‌ی ساختمان‌ها و تعمیرات معارفی و اوقافی در سال 1313 و 1314، ص 38.
- 44 - همان، ص 40.

- 45 - همان.
- 46 - تعلیم و تربیت، سال 7، شماره چهارم، پنجم، ششم و هفتم، تیر، مرداد، شهریور و مهرماه 1316، صص 271-270.
- 47 - همان، سال 6، شماره 4، تیرماه 1315، ص 260.
- 48 - ستاره ایران، سال 12، شماره 461، جمعه 5 فروردین 1307، ص 2.
- 49 - همان.
- 50 - تعلیم و تربیت، سال 7، شماره چهارم، پنجم، ششم و هفتم، تیر، مرداد، شهریور و مهرماه 1316، صص 271-270.
- 51 - همان، سال 6، شماره 12، اسفندماه 1315، ص 897.
- 52 - همان، شماره 7، مهرماه 1315، ص 527.
- 53 - اطلاعات، سال 11، شماره 3069، پنجشنبه 13 اسفند 1315، ص 3.
- 54 - همان، شماره 3076، جمعه 21 اسفند 1315، ص 3.
- 55 - تعلیم و تربیت، سال 6، شماره 12، اسفند 1315، ص 898.
- 56 - آموزش و پرورش، سال 10، شماره چهارم، تیر 1318، ص 78.
- 57 - اطلاعات، سال 11، شماره 3074، چهارشنبه 19 اسفند 1315، ص 4.
- 58 - همان، سال 5، شماره 1257، 15 بهمن 1309، ص 3.
- 59 - همان، سال 12، شماره 3211، دوشنبه 11 مرداد 1315، ص 4.
- 60 - همان، سال 12، شماره 3448، چهارشنبه 24 فروردین 1317، ص 4.
- 61 - همان، سال 1، شماره 17، پنجشنبه 9 اردیبهشت 1305، ص 3.
- 62 - دلریش، بشری، زن در دوره قاجار، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر، 1375، صص 138-139.
- 63 - حبیبی، رباب، «مدارس نسوان از آغاز تا سال 1314»، گنجینه‌ی اسناد، سال اول، شماره اول، 1370، ص 83.
- 64 - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، تاریخچه‌ی ساختمان‌ها و تعمیرات معارفی و اوقافی در سال 1313 و 1314، ص 35.
- 65 - همان.
- 66 - آینده ایران، سال 3، شماره 20، شنبه 6 اسفند 1311، ص 4.
- 67 - سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک 297010026، محل در آرشیو 836 چ 3 آپ 1 تقاضای اهالی مشهد سر مینی بر تأسیس مدرسه دخترانه به تاریخ 1306/12/6، نمره -
- 68 - آینده ایران، سال 3، شماره 20، شنبه 6 اسفند 1311، ص 4.
- 69 - اطلاعات، سال 8، شماره 2044، چهارشنبه 7 آبان 1312، ص 2.
- 70 - سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک 297034029، محل در آرشیو 212 گ 5 آپ 1.

- 71- همان، شماره مدرک 297033767، محل در آرشیو 511 گ 4 آپ 1.
- 72- همان، شماره مدرک 297032370، محل در آرشیو 708 ک 5 آپ 1.
- 73- نوری، اسناد مازندران در دوره رضاشاه (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی)، ص 237، سند 96.
- 74- کرونین، استفانی، دولت و جامعه در دوران رضاشاه، ترجمه مرتضی ثاقب، تهران: جامی، 1382، ص 194.
- 75- ایران امروز، سال 1، شماره 2 و 3، اردیبهشت و خرداد 1311، ص 70.
- 76- اطلاعات، سال 15، شماره 4480، دوشنبه 26 اسفند 1319، ص 1.
- 77- نیایکی؛ حسین‌زاده، بابل (شهر زیبای مازندران)، ص 309.
- 78- اطلاعات، سال 1، شماره 26، چهارشنبه 22 اردیبهشت 1305، ص 2.
- 79- همان، سال 2، شماره 31 494، اردیبهشت 1307، ص 3.
- 80- همان، سال 9، شماره 2408، سه شنبه 25 دی 1313، ص 3.
- 81- همان، سال 11، شماره 3100، شنبه 21 فروردین 1316، ص 2.
- 82- نوری، اسناد مازندران در دوره رضاشاه (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی)، صص 244-245، سند 101/1 و 102/2.
- 83- کرونین، دولت و جامعه در دوران رضاشاه، ص 125.
- 84- اطلاعات، سال 5، شماره 1188، 1309، ص 3.
- 85- نوری، اسناد مازندران در دوره رضاشاه (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی)، ص 252، سند 106/2.
- 86- همان، ص 242، سند 100.
- 87- همان، ص 241، سند 99.
- 88- سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک 29701026، محل در آرشیو 836 چ آپ 1.
- 89- نوری، اسناد مازندران در دوره رضاشاه (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی)، ص 240، سند 98.
- 90- سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک 297016605، محل در آرشیو 401 ژ 4 آپ 1.
- 91- صفایی، ابراهیم، رضاشاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، 1356، ص 91.
- 92- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران: امیرکبیر، 1358، ج 6، صص 152-156.
- 93- صدیق، عیسی، یادگار عمر: خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق، تهران: شرکت سهامی طبع کتاب، 1340، ج 2، ص 201.
- 94- اطلاعات، سال 9، شماره 2300، 7 مهر 1313، ص 3.
- 95- همان، شماره 2309، 17 مهر 1313، ص 3.
- 96- همان، سال 10، شماره 2307، 15 مهر 1313، ص 3.
- 97- همان، شماره 2308، 16 مهر 1313، ص 3.
- 98- خاوری، سیدباقر، یادنامه‌ها، ساری: مرکز پژوهش‌های فرهنگی، 1384، ص 30.

- ⁹⁹ - شفق سرخ، سال 13، شماره 2765، پنجشنبه 19 مهر 1313، ص 2.
- ¹⁰⁰ - همان، شماره 2768، دوشنبه 23 مهر 1313، ص 2.
- ¹⁰¹ - همان، شماره 2767، یک شنبه 22 مهر 1313، ص 2.
- ¹⁰² - روستایی، محسن، تاریخ فرهنگستان ایران به روایت اسناد همراه با واژه‌های مصوب و گم شده فرهنگستان (1314-1320)، تهران: نی، 1385، ص 17.
- ¹⁰³ - حکمت، علی‌اصغر، سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران: وحید، 1355، صص 20-29.
- ¹⁰⁴ - روستایی، تاریخ فرهنگستان ایران به روایت اسناد همراه با واژه‌های مصوب و گم شده فرهنگستان (1314-1320)، ص 15.
- ¹⁰⁵ - صدیق، یادگار عمر: خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق، صص 214-242؛ بیات، کاوه، «فرهنگستان و تغییر اسامی جغرافیایی در ایران» سال 11، شماره 3، نشر دانش، 1370، صص 12-25.
- ¹⁰⁶ - روستایی، تاریخ فرهنگستان ایران به روایت اسناد همراه با واژه‌های مصوب و گم شده فرهنگستان (1314-1320)، ص 270.
- ¹⁰⁷ - همان، ص 271.
- ¹⁰⁸ - همان، ص 262.
- ¹⁰⁹ - سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک 240027290، محل در آرشیو 704 ژ 4 ب آ 1.
- ¹¹⁰ - همان، در خصوص تغییر نام شهرستان اشرف به تاریخ 1317/2/20، نمره 626.